

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وصلی اللہ علی محمد وآلہ الطاہرین

مطالعات قرآن و حدیث

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث

سال هفتم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر حسین علی سعدی

سر دبیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی استاد دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فردوسی
عبدالهادی فقهی زاده دانشیار دانشگاه تهران
عباس مصلائی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

دوفصلنامه «مطالعات قرآن و حدیث» در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۴ و طی نامه شماره ۳/۱۸۱۷۲۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از شماره ۹ موفق به اخذ اعتبار علمی - پژوهشی شده است و مقالات آن در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
www.sid.ir پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
www.magiran.com بانک اطلاعات نشریات کشور

ویراستار انگلیسی: دکتر محمود کریمی / ویراستار عربی: دکتر محمدجواد صادقی مجید

۲۳۰ صفحه / ۵۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

<http://quran.sadiqjournals.ir>

امور فنی و توزیع: معاونت پژوهشی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، نمابر: ۸۸۵۷۵۰۲۵، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

E-mail: mag@isu.ac.ir

بررسی تحولات در خوانش از مفهوم «انتظار فرج» در دوران غیبت کبری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۳

یونس دهقانی فارسانی*

سید کاظم طباطبائی**

حسن نقی زاده***

مهدی جلالی****

چکیده

مسئله «انتظار فرج امام قائم» به معنای «انتظار فرج امام غائب»، یکی از مفاهیمی است که بویژه پس از آغاز دوره غیبت کبری امام عصر (عج)، مورد توجه دانشمندان شیعه بوده است. اگر چه برخی گزارش‌های تاریخی از طرح مسئله «انتظار فرج» در میان جامعه شیعه برای برخی ائمه پیشین نیز حکایت دارند، اما بی شک این مفهوم، در دورانی که امام از میان انتظار غائب شدند، بیش از هر زمان دیگری مورد توجه جامعه شیعه و بخصوص دانشمندان شیعی واقع گشت. بررسی گذرای منابع روایی شیعی که به نحوی به این مفهوم یا مسئله پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که در دوره غیبت کبری، با گذر زمان، تحولاتی در خوانش از مفهوم «انتظار فرج» رخ نموده است. آنچه در این نوشتار به دنبال آن هستیم، در گام نخست ارائه گزارشی است از این تحولات. در گام بعد خواهیم کوشید تا نشان دهیم که از چه روی چنین تحولاتی در خوانش این مفهوم رخ نموده است تا به این ترتیب بتوانیم تبیینی از آنها به دست بدهیم.

واژگان کلیدی

انتظار فرج، مهدویت، غیبت، تحلیل گفتمان، خوانش

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

**** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

yoones.dehghani@gmail.com

tabatabaei@um.ac.ir

naghizadeh@um.ac.ir

mjalali13@yahoo.com

طرح مسئله

بحث در خصوص تحولات مفهوم انتظار فرج را در سه گام به پیش خواهیم برد: نخست به طرح رویکردها و خوانش های موجود در جامعه شیعه نسبت به مسأله «انتظار فرج» در دوران غیبت کبری می پردازیم و می کوشیم تا تحولات رخ داده را شناسایی کنیم. در این بحث به سراغ آثار مهم و کلیدی که بازتابنده دیدگاه عالمان شیعی در این باره بوده است، می رویم؛ در گام بعد به ارزیابی و تحلیل تحولاتی خواهیم پرداخت که در ارتباط با مسأله «انتظار فرج» در طی دوره غیبت کبری رصد کرده ایم.

سرانجام در بخش پایانی که اختصاص به تبیین تحولات رصد شده است، می کوشیم بیابیم که چه عواملی می توانسته اند در گفتمان تفسیری^۱ از این مفهوم تحولی را به وجود بیاورند به شکلی که موجب دگرگونی در خوانش از آن در این دوره گردیده است.

مفهوم «انتظار فرج امام غائب» به نظر می رسد که دست کم از سه عنصر اصلی تشکیل یافته باشد: نخست مفهوم «انتظار»، دوم مفهوم «فرج امام غائب» که در ارتباط با مفهوم «انتظار فرج»، مفهوم «انتظار» خود دو مؤلفه دارد که عبارتند از: «گونه انتظار» و «طول زمان انتظار». سوم عنصر «امام غائب» است. عنصر امام غائب، عنصری است که می توانیم آن را در دوره غیبت کبری ثابت بدانیم، چه جامعه شیعه در این دوره در این مسأله که امام غائب کیست اختلافی نداشته اند. به این ترتیب با نگاهی تحلیلی می توان دریافت که در گفتمان تفسیری این مفهوم، سه عنصر نقش اساسی بازی می کنند: نخست طول زمان انتظار، دوم عنصر گونه انتظار و سرانجام عنصر مفهوم فرج و خوانش از آن.

بخشی از این نوشتار به بررسی دیدگاه های عمده نسبت به مسأله «انتظار فرج» در طول دوره غیبت کبری امام عصر(عج)، یعنی بیش از یازده سده گذشته قمری اختصاص دارد. این دوره را به سه زیر دوره تقسیم می کنیم و دیدگاه ها را در این سه زیر دوره برمی رسمیم. این سه زیر دوره بدین قرارند:

۱- سده های چهارم و پنجم قمری، به مثابه دو سده نخستین غیبت کبری؛

۲- سده‌های دهم و یازدهم قمری؛

۳- و سرانجام دوره معاصر که در این نوشتار مقصود از دوره معاصر، دوره ابتدای نهضت مشروطه تا زمان حاضر است.

این سه دوره به شکلی تقریبی سه دوره شاخص تاریخی از حیات اجتماعی جامعه شیعه را می‌پوشانند. دوره نخست، دوره حکومت خاندان آل بویه را دربردارد.^۲ دوره دوم، یعنی سده‌های دهم و یازدهم قمری، دوره اقتدار حکومت صفوی در ایران است.^۳ در دوره معاصر، مشخصاً دوران مشروطیت به بعد نیز شاهد روی آوردن عالمان شیعه به حوزه سیاست و اثرگذاری بر این حوزه هستیم.

۱. خوانش‌ها و رویکردهای عمده به مسأله «انتظار فرج»

در این بخش به ارائه گزارشی از خوانش‌ها و رویکردهای موجود در جامعه شیعه نسبت به مسأله «انتظار فرج» امام قائم می‌پردازیم. هدف از طرح این بحث، رصد تحولاتی است که در این خوانش‌ها و رویکردها طی یازده سده‌ای که از آغاز زمان غیبت کبری گذشته، صورت گرفته است. با توجه به آنچه در مقدمه گذشت، بحث را به سه دوره سده‌های چهارم و پنجم، سده‌های دهم و یازدهم، و دوره معاصر تقسیم می‌کنیم.

۱-۱. سده‌های چهارم و پنجم قمری

سده‌های چهارم و پنجم هجری برای جامعه شیعه، دوره‌ای مهم است. این دو سده، دو سده نخست دوران غیبت کبری امام دوازدهم (عج) است که طی آن جامعه شیعه که با آغاز دوران غیبت کبری، دچار نوعی پریشانی و آشفتگی شده بود، توانست با آرایش دوباره مبانی فکری خود، از گونه‌ای بحران بگذرد.

از جمله عالمان شیعی مطرح که در همان دهه‌ای آغازین دوره غیبت کبری به مسأله انتظار فرج امام قائم پرداخته است، ابوعبدالله محمد بن جعفر نعمانی مشهور به شیخ نعمانی است که کتابی با نام «الغیبه» در باره غیبت امام دوازدهم (عج) به رشته تحریر درآورده است. شیخ نعمانی در مقدمه الغیبه خود، نکاتی را درباره مسأله غیبت امام دوازدهم ذکر می‌کند که می‌تواند بازتاب دهنده دیدگاه جامعه شیعه دوازده امامی دوران حیات خود باشد.

نعمانی در ابتدای این اثر، پس از آنکه به گلایه از گروه‌هایی از جامعه شیعه می‌پردازد که مذهب شیعه اثنی عشری را رها کرده و به سوی دیگر گروه‌ها رفته‌اند، می‌گوید که مسأله غیبت امام دوازدهم (عج) را پیشتر رسول خدا (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و سایر ائمه (ع) از فرزندان ایشان، هر کدام جداگانه، مطرح ساخته بوده‌اند و جامعه شیعه اکنون باید فرج امام دوازدهم (عج) را انتظار بکشد (نعمانی، بی تا، ص ۲۱).

وی در جایی دیگر در مقام گلایه از همان گروه، می‌گوید که این پریشانی و جدایی از حق که بخشی از جامعه شیعه به آن گرفتار آمده، همه ناشی از کم دانشی آن گروه افراد است، چرا که آنها در روایاتی که در اختیار داشته‌اند، نیاندیشیده و آنها را فهم نکرده‌اند (نعمانی، بی تا، ص ۲۲).

به این ترتیب، می‌توان دریافت که نعمانی به دنبال بیان این نکته است که اندیشه غیبت امام قائم (عج)، اندیشه‌ای است که از آغاز در مذهب شیعه وجود داشته و آنطور که بخشی از جامعه شیعه به آن دچار شده‌اند، مسأله‌ای پریشان کننده و تحیر برانگیز نیست و تنها باید به انتظار فرج امام نشست.

از عالمان مطرح دیگر شیعی در این دوره که درباره مسأله انتظار فرج اظهار نظر کرده، شیخ صدوق است که یک نسل پس از شیخ نعمانی حیات علمی خود را پشت سر گذاشته است. شیخ صدوق محور کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» خود را مسأله غیبت امام زمان (عج) قرار داده است. این کتاب، در واقع کتابی است در راستای کتاب غیبت نعمانی قرار می‌گیرد، به این معنا که در آن اندیشه شیعه نسبت به مسأله امام غائب (عج) به شکلی مبسوط همراه با روایاتی که دال بر آن هستند، طرح می‌گردد. شیخ صدوق بخشی از این اثر را به گردآوری روایاتی صادر شده از رسول خدا (ص) و ائمه پیشین (ع) اختصاص داده است که اشاره به مسأله غیبت دارند (ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ج ۱، صص ۲۵۶-۳۸۴).

در ادامه باید از باب ۵۵ کتاب کمال الدین نام برد که شیخ صدوق آن را اینگونه نامیده است: «باب ما رَوَى فی ثواب المنتظر للفرج». در این بخش، شیخ به نقل هشت روایت می‌پردازد که بر اساس آنها، کسی که منتظر امر فرج امام قائم، یعنی ظهور ایشان

و قیام ایشان به سیف باشد، کاری بس پر ارج انجام داده است (ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ج ۲، صص ۶۴۴-۶۴۷).

به این ترتیب به نظر می‌رسد که شیخ صدوق نیز بر آن بوده است، تا نشان دهد که مسأله غیبت امام قائم و ظهور ایشان در زمانی که زمینه مناسب وجود داشته باشد، همواره از سوی معصومین مطرح بوده است، و بر جامعه شیعه است که ظهور ایشان را چشم بدارد.

اما در این دوره از دوران سه گانه‌ای که به بررسی اندیشه و رویکرد شیعه به مسأله «انتظار فرج» امام قائم اختصاص داده‌ایم، باید از شیخ مفید نیز به مثابه یکی از علمای برجسته شیعی یاد کرد که درباره مسأله انتظار فرج، موضع‌گیری کرده است. شیخ مفید در مجموعه‌ای از «رسائل» به مسأله غیبت امام قائم پرداخته و به شبهات مطرح در این موضوع پاسخ داده است (نگاه کنید، مفید، ۱۴۱۴ق، سراسر اثر).

از جمله پرسش‌هایی که شیخ مفید به آن پرداخته است، پرسش از فایده معرفت امام قائم، در هنگام غیبت ایشان است. شیخ در پاسخ به این پرسش، مسأله «انتظار فرج» ایشان را از سوی شیعیان مطرح می‌سازد که انتظار فرج امام برای شیعیان حکم عبادت را دارد و به این ترتیب شیعیان امام از این راه عقابهای بزرگ را از خود دور می‌سازند (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳).^۴

سرانجام از عالمان بزرگ شیعی در این دوره باید از شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی یاد کنیم که وی نیز در این دوره، کتابی را در باب غیبت امام دوازدهم نگاشته است. شیخ در این کتاب، عمدتاً به شبهات گروههای مختلف فکری اعم از شیعه و غیرشیعه در ارتباط با مسأله غیبت امام دوازدهم (عج) پاسخ می‌دهد.^۵

در بخش‌های دیگر این کتاب، شیخ به پرسش‌هایی درباره عمر امام غائب (عج) (طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۴۱۹ به بعد)، سفرای ایشان (طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۳۴۵ به بعد) و دیدار افراد با امام، بدون آنکه ایشان را بشناسد (طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۵۳ به بعد) و مسائل مشابه می‌پردازد. شیخ همچنین بخشی از کتابش را به مسأله نشانه‌هایی که حاکی از نزدیک بودن خروج امام عصر (ع) هستند، اختصاص داده است (طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۴۳۳-۴۶۷).

بررسی دیدگاه‌های شیخ مفید و شیخ طوسی درباره مسأله انتظار فرج، نشان می‌دهد که دیدگاه این دو، ادامه دیدگاهی است که در آثار نعمانی و شیخ صدوق شاهدیم که همانا تأکید بر غیبت امام دوازدهم (عج) از میان جامعه شیعه و در عین حال حیات ایشان در پرده غیبت است. در این حال، جامعه شیعه باید ظهور ایشان را انتظار بکشند.

۱-۲. سده‌های دهم و یازدهم قمری

سده‌های دهم و یازدهم قمری، همزمان است با حکومت صفوی در ایران که طی آن مذهب شیعه به مثابه مذهب رسمی حکومت اعلام گردید. در این دوره وضعیت جامعه شیعه از نظر اجتماعی-سیاسی بهبود یافت و بسیاری از دانشمندان شیعی توانستند در این دوره، دست به تألیف برخی آثار روایی مهم بزنند.

از جمله محدثان برجسته‌ای که در این دوره زیسته، علامه مجلسی است. از جمله مواردی که می‌توان بر اساس آن مواضع علامه مجلسی را نسبت به مسأله «فرج امام قائم» یافت، پرداخت او به مسأله بداء در امر ظهور و فرج امام قائم است. علامه مجلسی در کتاب «بحار الأنوار» در توجیه روایاتی که ظهور و فرج امام عصر (عج) را نزدیک خوانده‌اند، اینگونه می‌گوید که این روایات از باب توریه از سوی معصوم صادر گردیده‌اند و نمی‌توان مسأله بداء را از آنها نتیجه گرفت.

علامه مجلسی معتقد است که اگر ائمه (ع) می‌خواستند به شیعیان خود وقوع فرج امام قائم را پس از دورانی طولانی آگاهی بدهند، آنگاه دیگر شیعیان به مذهب خود باقی نمی‌ماندند و از مذهب باز می‌گشتند. به این ترتیب ائمه (ع) فرج امام قائم را نزدیک می‌خوانده‌اند یا می‌فرموده‌اند که احتمال دارد که فرج در زمانی نزدیک روی دهد تا مردم در دین ثابت قدم باشند و ثواب انتظار فرج را کسب کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، صص ۱۳۱-۱۳۲).

در تکمیل و تأکید بیشتر مسأله ظهور امام قائم پس از انتظاری طولانی، علامه مجلسی بخشی از کتاب بحار الانوار را به بابی اختصاص داده است که در آن از کسانی سخن می‌رود که در دنیا عمر طولانی داشته‌اند. عنوان باب این است: «ذکر أخبار

المعمرین لرفع استبعاد المخالفین عن طول غیبه مولانا القائم صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، صص ۲۲۵-۲۹۳).

این بخش، بخصوص در دوران علامه مجلسی می‌توانسته معنا داشته باشد، از آن رو که فاصله میان زمان آغاز غیبت کبری امام عصر (عج) تا دوران علامه مجلسی، همانطور که گفتیم، بیش از زمانی است که از روایات برداشت می‌شد.

از دانشمندان برجسته دیگر شیعه در این دو سده که به مسأله انتظار فرج پرداخته است، مولی صالح مازندرانی است. وی ذیل شرح روایتی از امام صادق (ع) که طی آن ایشان به پرسشی از ابوبصیر یکی از یاران خود پاسخ می‌دهند، به این موضوع پرداخته است. بر اساس این روایت، ابوبصیر از امام درباره زمان فرج می‌پرسد. امام در پاسخ می‌فرماید که آیا تو از کسانی هستی که دنیا خواهند. در ادامه امام می‌افزاید که هر کس این امر را شناخت، به جهت انتظاری که برای این امر کشیده، فرج او فرا رسیده است (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۳۴۲).

در شرح این روایت، مولی صالح مازندرانی می‌گوید که مقصود از فرج در پرسش ابوبصیر، همان حصول گشایش با ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) است. در ادامه به شرح پاسخ امام صادق (ع) می‌پردازد و می‌گوید که مقصود امام از دنیاخواه شدن ابوبصیر آن است که او به دنبال گشایش در این دنیاست به نحوی که دنیا و زینت آن را با گشایش در امر زندگی اش، خواستار شده است.

وی ادامه می‌دهد که این البته امری آسان و ساده است، اما فرج واقعی، فرج اخروی است که با رهایی یافتن از عذاب همیشگی همراه است و این فرج، اکنون برای او حاصل شده است، چه او امر ظهور امام قائم را شناخته است، از آن رو که هر کس این امر را بشناسد، خداوند برای او گشایشی حاصل خواهد کرد (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۳۴۱).

سومین دانشمندانی که در سده‌های دهم و یازدهم به مسأله انتظار فرج پرداخته است، مولی محسن فیض کاشانی است. مولی محسن فیض نیز در کتاب «وافی» خود به شرح روایتی از امام صادق (ع) می‌پردازد. وی روایتی را از اصول کافی می‌آورد که طی آن ابوبصیر از امام صادق (ع) درباره زمان فرج می‌پرسد.

وی در شرح این روایت اینطور می‌گوید که مقصود از سخن امام آن است که هر کس این امر را دریافت که امام غائب (عج) سرانجام روزی ظهور خواهند کرد، او به جهت امر آخرت، برایش گشایش حاصل گردیده است، چه او با شناخت این امر، منتظر ظهور امام قائم خواهد بود و انتظار ظهور ایشان، بر اساس برخی روایات^۷ برترین عبادات است. به این ترتیب فردی که امر ظهور را شناخت، اگر بخواهد خود ظهور امام را هم درک کند، دیگر این از سر دنیاخواهی و توسعه در معاشش است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۳۷). اینکه در دوره امام عصر در معاش شیعیان ائمه (ع) توسعی صورت خواهد گرفت، به نظر از آنرو خواهد بود که ظهور ایشان همراه خواهد بود با گشایش در حیات اجتماعی- سیاسی شیعیانشان.

۳-۱. دوران معاصر

در دوران معاصر و پس از نهضت مشروطیت، شاهدیم که عالمان شیعی متعددی به مسأله انتظار ظهور امام غائب پرداخته و آن را موضوع اندیشه و نوشته‌های خود ساخته اند. یکی از نخستین دانشمندانی که در این دوره به بررسی بحث مسأله غیبت امام قائم و فرج وی پرداخته، علی اکبر همدانی (د ۱۳۳۴ق) است که در این موضوع کتابی را با نام «تکالیف الأنام فی غیبه الامام» به سال ۱۳۱۷ قمری منتشر ساخته است. همدانی در این کتاب به تکالیف شیعیان نسبت به مسأله فرج امام قائم در دوره انتظار، پرداخته است.

از جمله مواردی که وی در این اثر به مثابه تکلیف برای جامعه شیعه معرفی کرده، آن است که جامعه شیعه اگر با ظلم و ستمی مواجه است و در سینه خود غصه ای دارد، باید برای فرج امام شیکبا باشد و دعای ظهور برای فرج ایشان بخواند. وی معتقد است که در این دوره نباید با اهل باطل جنگید و بر آنها خروج کرد (دبیر همدانی، ۱۳۵۴ش، ۲۷۱).

عالم شیعی دیگری که در ارتباط با مسأله «فرج امام قائم» وضع گرفته، محمد تقی موسوی اصفهانی (د. ۱۳۴۸ق) است. وی در کتاب خود با نام «مکیال المکارم»، روایتی

را از کافی به بحث می‌نشیند که طی آن ابوبصیر از امام صادق (ع) درباره زمان فرج پرسید.^۸

در پاسخ به پرسش ابوبصیر، امام به وی فرمودند که آیا تو از دنیاخواهان هستی. بدان که هر کس امر غیبت امام قائم را شناخت، به خاطر انتظاری که برای این امر دارد، برایش گشایش حاصل شده است (کلینی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۴۲۳؛ این روایت را علامه مجلسی نیز در بحار ذکر کرده است: بحار، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۴۲).

پس از نقل این روایت، محمد تقی اصفهانی می‌گوید که بیشتر جامعه شیعه (الأکثرین) بر این باور هستند که زمانی که فرج امام فرا رسد و ایشان زمام امور سیاسی مسلمین را به دست بگیرند، زمینه برای جامعه شیعه جهت خوشی و رفاه و عشرت وافر فراهم خواهد بود. محمد تقی اصفهانی این دیدگاه را مورد نقد قرار می‌دهد و آن را با استناد به پاسخ امام صادق (ع) به ابوبصیر، گونه‌ای دنیاطلبی می‌خواند. سرانجام در ادامه تأکید می‌کند که مقصود از انتظار فرج، انتظار رسیدن زمان راحتی و خوشگذرانی نیست، بلکه مقصود انتظار رسیدن زمان یاری امام قائم و جهاد به همراه اوست (اصفهانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۴۴).

پس از محمد تقی اصفهانی باید از گروهی از دانشمندان معاصر شیعی و در رأس آنها سید محمود طالقانی یاد کرد، که خوانشی متفاوت را از اندیشه انتظار فرج مطرح ساخته اند. از آنجا که به نظر نخستین بار این طالقانی بوده است که این اندیشه را برجسته ساخته و به آن پرداخته است، محور بررسی را دیدگاههای او قرار می‌دهیم. اما این اندیشه انحصار به او ندارد.

پس از محمد تقی اصفهانی، از جمله عالمان شیعی ای که به مفهوم «انتظار الفرج» پرداخته است، باید محمود طالقانی را نام برد. وی در بخشی از کتاب خود با نام «مهدی و آینده بشریت»، به بحث اندیشه ظهور امام قائم و نقش آن در حیات جامعه شیعه پرداخته است.

طالقانی اندیشه ظهور امام قائم و انتظار آن را اندیشه‌ای معرفی می‌کند که به جامعه شیعه همواره امید به روشنی می‌دهد و برای آنها تحرک آفرین و نشاط بخش است. وی تأکید می‌کند که همین اندیشه امیدبخش و نشاط آور ظهور است که موجب کسب امید

و نترسیدن از شکست‌ها از سوی جامعه شیعه گردیده و به این ترتیب بقا و حیات آن را تضمین ساخته است (طالقانی، ۱۳۶۰ش، ص ۹۰).

در اثری دیگر، طالقانی به این نکته اشاره می‌کند که گروه‌هایی از جامعه شیعه از ظهور فساد و فحشاء در جامعه خوشنودند و آن را از علائم ظهور می‌دانند. اما وی به صراحت با این اندیشه مخالفت می‌کند و معتقد است که نباید نسبت به این شرایط منفعل عمل کرد، بلکه باید زنده بود و مقدمات نهضت امام قائم را که نهضتی جهانی است، فراهم ساخت. وی همچنین صبر محض برای فرج امام و بی‌عکس‌العملی را می‌نکوهد (طالقانی، ۱۳۶۰ش، صص ۱۰-۱۲).

از جمله محققان دیگر شیعه در دوران معاصر، که درباره مسأله انتظار ظهور به ابراز عقیده پرداخته است، موسی صدر است. بر اساس اندیشه موسی صدر، انتظار فرج به معنی رها کردن کار نیست، چه این در واقع عدم انتظار و تسلیم شدن است. از منظر وی، انتظار فرج به معنای آمادگی و بسیج شدن و تربیت کردن نیروها و آمادگی روحی، روانی، فکری، معنوی، جسمی، تکنولوژیک و نظامی نیروهاست. وی تأکید می‌کند که انتظار فرج، انتظار وقوع انقلابی یکباره نیست، بلکه افراد جامعه شیعه باید همواره آماده همکاری باشند و از این راه خود را برای ظهور آماده سازند و نه اینکه از زیر بار مسئولیت‌شانه خالی کنند (لک زایی، ۱۳۸۴ش، ۲۰۴-۲۰۶).

از میان دیگر دانشمندان شیعی که در دوره معاصر به مسأله «فرج امام قائم» پرداخته‌اند، باید از ناصر مکارم شیرازی یاد کرد. وی در کتاب خود با نام «مهدی، انقلابی بزرگ» به بحث از مسأله انتظار فرج امام قائم در دوره معاصر می‌پردازد. وی بر این نکته تأکید می‌کند که بحث انتظار فرج در دوره معاصر از دو عنصر اصلی تشکیل یافته است: نخست عنصر «نفی» که به معنای نفی شرایط موجود است و دیگر عنصر «اثبات» که به معنای خواهان شرایط بهتر بودن است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۸ش، صص ۱۰۲-۱۰۳). به این ترتیب از نظر وی، انتظار فرج به معنای صبر کردن و پذیرفتن صرف وضعیت موجود نیست.

مکارم شیرازی در جایی دیگر تأکید می‌کند که در دوره انتظار فرج امام قائم، دو گونه اقدام باید صورت گیرد: نخست اقدامی که عوامل نابسامان موجود در جامعه شیعه

را نفی می‌کند. دو دیگر اقداماتی که انسانها را برای پذیرش اصول چنان حکومتی آماده می‌سازد. وی انتظار فرج را، طراحی برنامه ای در تمام زمینه‌ها برای دوره فرج امام قائم و حکومت ایشان است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۵، صص ۱۰-۱۲).

سرانجام از پژوهشگران مطرح شیعی دوره معاصر که دست به خوانش از مفهوم انتظار فرج زده، سید محمد صدر است. وی در کتاب خود به عنوان «رسالت اسلامی در عصر غیبت» به بررسی روایت «أفضل الأعمال» می‌پردازد و نقل‌های گوناگونی از آن را ذکر می‌کند (صدر، ۱۳۶۲ش، ص ۱۹۰-۱۹۴).

صدر معتقد است که مسأله انتظار فرج را نباید انتظار امری شخصی دانست. آن آنجا که خداوند آن را از برترین اعمال قرار داده است، می‌توان دریافت که پایه ای از پایه‌های دین است (صدر، ۱۳۶۲ش، ص ۱۹۵).

به این ترتیب شاهدیم که در این دوره، خوانشی از فرج در حال شکل‌گیری است، چه صدر نوعی از رویکرد و تصور به انتظار فرج را که خود «شخصی» می‌نامد، نفی می‌کند. وی این مفهوم تازه از فرج را مفهومی «مثبت و اسلامی» از مسأله انتظار می‌خواند (صدر، ۱۳۶۲ش، ص ۳۰). وی معتقد است که رفتار فردی و جمعی افراد منتظر، باید اینگونه باشد که از اجتماعات نباید کنارگیری و گوشه نشینی کرد. باید همواره آماده مبارزه و تلاش برای اصلاح خود و جامعه بود (صدر، ۱۳۶۲ش، ص ۹۴).

۲. بررسی و تحلیل تحولات رخ داده

در بخش پیشین به بررسی خوانشها و رویکردهای مطرح و شاخص در جامعه شیعه نسبت به مسأله فرج امام قائم و انتظار این فرج پرداختیم. همانطور که دیدیم، در رویکرد و خوانش از مسأله انتظار فرج در سه دوره مورد بررسی، شاهد تحولاتی بودیم. در این بخش می‌کوشیم به تحلیل تحولات رخ داده بپردازیم.

بر اساس آنچه که در بخش پیشین درباره رویکردها و خوانشها در جامعه شیعه نسبت به مسأله انتظار فرج گذشت، دیدیم که در طول دو سده نخست دوره غیبت کبری، یعنی سده‌های چهارم و پنجم قمری علمای شیعه به اثبات مبانی فکری این مذهب نسبت به غیبت امام دوازدهم (عج) دست زدند. به عبارت دیگر، آنچه که در این

دو سده شاهد بدویم، تداوم همان اندیشه‌های طرح شده درباره امام عصر (عج) بود که پیشتر از سوی معصومین (ع) مطرح گردیده بود.

در ادامه در سده پنجم دیدیم که این مبانی انسجام و قوام بیشتری به خود گرفته بود، تا آنجا که در این سده شاهد استدلال‌های منطقی شیخ طوسی درباره این اندیشه‌ها نیز هستیم (نگاه کنید: طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۳-۱۱۳).

اما در دوره دوم، یعنی سده‌های دهم و یازدهم قمری، شاهد تحولاتی در رویکرد و فهم و خوانش از مسأله انتظار فرج نسبت به سده‌های چهارم و پنجم هستیم. در بخش پیش گذشت که علامه مجلسی در توجیه روایاتی که اشاره به فرج امام غائب در مدت زمانی کوتاه دارند، اینطور بیان می‌کند که این روایات از باب توریه صادر شده‌اند. وی علت صدور آنها را اینگونه بیان کرده که اگر ائمه (ع) به طولانی بودن مدت غیبت اشاره می‌کردند، بسیاری از شیعیان مذهب را رها می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، صص ۱۳۱-۱۳۲).

این سخن علامه مجلسی در توجیه روایات دالّ بر کوتاه بودن مدت زمان غیبت در مقایسه دیدگاه‌های مرتبط با مسأله انتظار فرج در سده‌های چهارم و پنجم، حرفی نو است و سابقه ندارد. آنچه که از این گفته علامه مجلسی می‌توان دریافت، آن است که طول زمان غیبت امام عصر (عج)، از سوی ائمه (ع) برای جامعه شیعه، روشن نشده است. به نظر می‌رسد این نکته که فرج امام قائم می‌تواند به این اندازه طولانی گردد، در اندیشه شیعیان نزدیک به دوران آغاز غیبت کبری نبوده است. این مسأله شاید عمده‌تاً به دلیل وجود همان روایاتی است که زمان فرج امام را همواره نزدیک می‌شناسانده اند.

اما شاهد بودیم که تحول دیگری نیز در خوانش‌های ارائه شده از مولی صالح مازندرانی و مولی محسن فیض نسبت به مسأله انتظار فرج در این دوره صورت گرفته است. همانطور که گذشت، با استناد به روایتی از امام صادق (ع) که در پاسخ به ابوبصیر صادر شده بود، مولی صالح، فرج امام را صرفاً مایه گشایش در حیات دنیوی شیعیان دیده بود، حال آنکه خود انتظار فرج را از آن رو که افضل اعمال برای شیعیان دانسته شده است، برتر از خود فرج امام یافته بود (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۳۴۱).

مولی محسن فیض در شرح روایتی دیگر، انتظار فرج را خود، فرجی برای مؤمنان معرفی کرده بود. در ادامه نیز نتیجه گرفته بود که انتظار رسیدن فرج امام در عمل نوعی دنیاطلبی و از سر میل به توسعه در معاش خواهد بود (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۳۷).

آنچه از شرح مولی صالح مازندرانی و مولی محسن فیض کاشانی می‌توان یافت، همانا تأکید بر اهمیت مسأله «انتظار» است، بدون آنکه فرد بخواهد به زمان رخداد آن توجه داشته باشد. به عبارت دیگر در اینجا «باور» به مسأله فرج است که گشایش دانسته شده است و نه «درک» ظهور امام قائم که عمدتاً به معنای فرج امام دانسته شده است. از دیدگاه او و بر اساس روایت امام صادق (ع)، این خود مسأله فرج و باور و اعتقاد به آن و انتظار رسیدن است که اهمیت دارد، چرا که موجب دفع عقاب اخروی می‌گردد که آن فرج حقیقی برای مؤمنان است. فرج دنیوی که با ظهور امام حاصل می‌گردد، موجب گشایش در امر دنیوی یاران امام گردد، اما انتظار فرج امام، موجب آبادی آخرت آنان خواهد گردید.

در اینجا ممکن است این پرسش مطرح شود که نکته ای را که مولی صالح و مولی محسن فیض بر روی آن دست نهاده اند و مسأله «انتظار» فرج امام را مهمتر از مسأله «درک دوران فرج» امام دانسته اند، نمی‌توان اندیشه‌ای نو دانست، چه این دو روایت از امام صادق (ع) صادر شده‌اند و سوای آن در جوامع روایی و آثار حدیثی نگاشته شده در سده‌های چهارم و پنجم نیز وارد گردیده است. به این ترتیب در اینجا ما تنها شاهد تکرار یک اندیشه هستیم.

در پاسخ به این پرسش باید گفت که وارد شدن این دو روایت از امام صادق (ع) و جای گرفتن آن در آثار حدیثی سده‌های چهارم و پنجم، بی‌تردید مورد نفی نیست. اما نکته نویی که در شرح این دو عالم از آن روایات به چشم می‌خورد، تغییر کارکرد این آنهاست. با در نظر گرفتن شرایط تاریخی دوران امام صادق (ع)، یعنی دورانی که بخش اعظمی از جامعه شیعه ایشان را امام قائم می‌دانستند و به جهت مطلوب نبودن حیات اجتماعی-سیاسی شان از ایشان انتظار قیام به سیف داشتند،^۹ کارکردی که این

سخنان امام می‌توانند داشته باشند آن است که شیعیان را به انتظار برای رسیدن فرج امام قائم و برطرف شدن نابسامانی اجتماعی - سیاسی از جامعه شیعه فرا خوانند.

اما بر اساس گزارشی که در بخش پیشین از رویکردها و خوانشها نسبت به مسأله انتظار فرج دادیم، می‌توان دریافت که در دوره معاصر نیز تحولاتی در ارتباط با مسأله انتظار فرج رخ داده است. نخستین تحول را می‌توان در دیدگاه همدانی یافت. آنگونه که دیدیم تأکید همدانی بر مسأله صبر و شکیبایی برای ظهور امام قائم است. شاهد بودیم که در این اثر، همانند آثار نگاشته شده در دو دوره پیشین مورد بحث، یعنی سده‌های چهارم و پنجم و سده‌های دهم و یازدهم، بر مسأله صبر و شکیبایی برای فرج امام تأکید رفته است.

با این حال این تأکید نه از برای آسان ساختن تحمل شرایط نابسامان اجتماعی - سیاسی جامعه شیعه است، بلکه کارکرد آن بازداشتن این جامعه از جهاد و شوریدن علیه دستگاه حاکم عصر خود است. به این ترتیب در اینجا شاهد تحولی در کارکرد انتظار برای فرج امام قائم هستیم (دبیر همدانی، ۱۳۵۴ش، ص ۲۷۱).

دومین تحول در دوره معاصر بر اساس گزارشی که ارائه شد، در اندیشه محمد تقی اصفهانی تبلور یافته است. وی در کتاب خود ضمن نفی دیدگاه اکثریت جامعه شیعه، که فرج امام را مایه خوشی و عیش شیعیان خود تصور می‌کرده‌اند، تأکید می‌کند که مقصود از انتظار فرج امام، انتظار رسیدن زمان خوشگذرانی نیست، بلکه انتظار رسیدن زمان یاری امام قائم و جهاد در رکاب اوست (اصفهانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۴۴).

از گزارشی مهم و قابل توجهی که محمد تقی اصفهانی در کتابش به ثبت رسانیده است، می‌توان بعد دیگری از رویکرد جامعه شیعه به مسأله «فرج امام قائم» را در این دوره مشاهده نمود. در تبیین این موضوع باید گفت که به نظر می‌رسد در این دوره، کارکرد اصلی مسأله فرج امام قائم، تا حد زیادی از خودآگاه بخش قابل توجهی از سواد جامعه شیعه بیرون رفته است.

توضیح سخن آنکه بر پایه این گزارش به نظر می‌رسد که تصور بخش قابل توجهی جامعه شیعه از مسأله فرج امام قائم، آن است که این قیام، بیشتر به جهت

گشایش در بعد معیشتی حیات اجتماعی - سیاسی شیعیان صورت می‌گیرد. از این رو این تصور بوجود آمده است که با ظهور امام غائب، راحتی جامعه شیعه افزون خواهد گشت، حال آنکه اگر این تصور را با تصور جامعه شیعه دست کم در سده‌های چهارم و پنجم قمری از مسأله فرج امام قائم مقایسه کنیم، خواهیم دید که در آن دوره، دست آورد اصلی ظهور امام دوازدهم (عج)، گسترش عدل و مبارزه با ظلم و ستم است. به بیان دیگر، فرج امام منجر به از بین رفتن فشار اجتماعی - سیاسی موجود بر جامعه شیعه خواهد شد.

اما این تنها تحول روی داده ناظر به مسأله انتظار فرج در این دوره نبود. در بخش پیش اشاره کردیم که در این دوره، شمار قابل توجهی از اندیشمندان معاصر شیعه، این دیدگاه را که انتظار فرج تنها به معنای صبور بودن برای آمدن امام عصر (عج) است، رد کرده اند. آنها در مقابل بر این نکته دست نهاده اند که جامعه شیعه باید در ارتباط با فرج امام قائم رفتاری فعال داشته باشد و زمینه‌ی ظهور ایشان را از طریق به پا داشتن اصولی که حکومت وی بر آنها تکیه خواهند کرد، فراهم نماید.

در این دوره، صرف صبر و شکیبایی برای ظهور امام غائب، به مثابه شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت دانسته شده است. در مقابل فرد باید وضعیت نامطلوب موجود را نفی کند و بکوشد تا آنها را با شرایط بهتری جایگزین کند، و از این راه زمینه را برای ظهور امام غائب فراهم گرداند. این گونه فهم از مسأله فرج امام قائم و رویکرد به آن، به گمان قوی از زمان آغاز غیبت کبری امام عصر (عج)، سابقه ای نداشته است. این دیدگاه در مقایسه با دیدگاه دبیر همدانی که در ابتدای این دوره مطرح گردیده است، کاملاً مقابل دیدگاه دبیر همدانی است.

۳. تبیین تحولات رخ داده

بر اساس آنچه که در بخش پیشین درباره گزارش تحولات روی داده نسبت به مسأله انتظار فرج امام غائب گذشت، شاهد بودیم که تحولی در دوره نخست مورد بررسی، یعنی سده‌های چهارم و پنجم قمری رخ ننموده بود. بر اساس آن بررسی، نخستین

تحولات را از دوره دوم، یعنی سده‌های دهم و یازدهم قمری و در ادامه در دوره معاصر می‌توان دید.

بر اساس بررسی‌ها، همانطور که گذشت نخستین تحول رخ داده، دیدگاه علامه مجلسی بود که روایات ائمه (ع) را که ناظر به کوتاه بودن مدت غیبت امام قائمند، از باب توریه خوانده بود تا شیعیان، ایمان خود را از دست ندهند و مذهب را ترک نکنند. در تبیین این مسأله به نظر می‌توان فاصله حدود شش سده‌ای میان دوران آغاز غیبت کبری تا دوران حیات علامه مجلسی را علتی مهم در نظر گرفت برای رویکرد جدید وی به روایات ناظر به زمان فرج امام غائب.

به نظر می‌رسد که این فاصله زمانی نسبتاً طولانی، که از هیچ یک از روایات موجود در منابع حدیثی نیز نمی‌توان آن را استنباط کرد، و جامعه شیعه نیز پیش بینی آن را نداشته است، موجب گردیده تا گفتمان تفسیری مسأله انتظار فرج، دچار تحول گردد. این تحول در خوانش از مسأله انتظار فرج در عنصر «طول زمان این انتظار» رخ داده است. بر اساس خوانش جدید، طول دوران انتظار فرج، نامشخص است و روایات ناظر به کوتاه بودن آن، کارکرد تعیین زمان نداشته‌اند.

به این ترتیب عنصر «طول زمان انتظار» در گفتمان تفسیری انتظار فرج، که تاکنون از روایاتی بهره می‌برد که ناظر به زمانی کوتاه بودند، اکنون منبعی برای بهره تغذیه نمی‌داشت و به این ترتیب از گفتمان تفسیری مفهوم انتظار فرج حذف شد. در عوض آنچه که در این دوره شاهدیم، تأکید بر طولانی بودن عمر امام است، چیزی که علامه مجلسی نیز بلافاصله پس از توجیه روایات ناظر به کوتاه بودن زمان انتظار، آن را بیان می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، صص ۲۲۵-۲۹۳).

اما دومین تحولی که در این دوره رصد شد، آن بود که اهمیت مسأله «انتظار فرج»، از مسأله «درک زمان فرج» پیشی گرفت. پیشتر گفتیم که مولی صالح مازندرانی و مولی محسن فیض کاشانی، ضمن شرح دو روایت از امام صادق (ع)، بر این نکته تأکید کرده بودند که حصول فرج برای شیعیان تنها گشایشی در معاش و زندگی مادی آنها خواهد داشت، حال آنکه انتظار فرج را داشتن، از آن رو که بر پایه برخی روایات، بافضیلت

ترین اعمال خوانده شده است، گشایش اخروی برای آنها به دنبال خواهد داشت که گشایش واقعی خواهد بود.

آنطور که از برخی منابع نگاشته شده در آغاز دوره غیبت کبری بر می‌آید،^{۱۰} خوانش از مسأله «انتظار فرج» در آن دوره این کارکرد را داشته تا جامعه شیعه که همواره تحت ظلم و ستم قرار داشته است این شرایط دشوار را تحمل کند تا سرانجام با ظهور امام عصر (عج) که رفع ظلم و ستم و گسترش عدالت را در پی خواهد داشت، شاهد گشایشی در حیات سیاسی- اجتماعی خود باشد. اما با تحولی که در رویکرد به مسأله انتظار فرج در سده‌های دهم و یازدهم شاهد هستیم، درک زمانی که شیعیان انتظار امام را می‌کشند، نسبت به درک زمان فرج امام، مطلوب‌تر می‌گردد.

این مسأله به شکل خودکار ما را وادار می‌کند تا بیاندیشیم که چنین خوانشی می‌تواند در دورانی ارائه شده باشد که جامعه شیعه در شرایط دشواری که پیشتر داشته است، قرار نداشته باشد. این حدس علمی، با زمینه تاریخی صدور این خوانش تازه، تا حد زیادی هماهنگی دارد، چرا که این خوانش نو در دوره صفویه ارائه گردیده است که طی آن مذهب شیعه در ایران مذهب رسمی اعلام شده بود و جامعه شیعه به لحاظ حیات سیاسی- اجتماعی خود، نسبت به دوره‌های تاریخی پیشین، شاهد گشایشی بود. از طرف دیگر با قدرت گرفتن این سلسله و شکل گرفتن رونق اقتصادی، علاوه بر فراهم شدن زمینه امنیت شیعیان، وضعیت معیشت جامعه شیعه نیز تا حد قابل توجهی بهبودی یافت. در این دوران شاهدیم که ایران تبدیل به مرکزی مهم برای شیعیان می‌گردد (برای مسأله مذهب در دوران شکوفایی عصر صفوی، نگاه کنید: امورتی، ۱۳۸۰، صص ۳۲۶-۳۳۴؛ برای رسمی شدن مذهب تشیع در ایران عصر صفوی، نگاه کنید، جعفریان، ۱۳۷۹، صص ۱۷-۸۶؛ برای حصول گشایش برای شیعیان، نگاه کنید، مظفر، صص ۳۰۵-۳۰۹).

اما به نظر می‌توان در این میان عاملی دیگر را نیز بازشناسی کرد که موجب تحول در گفتمان تفسیری مسأله انتظار فرج در این دوره گردیده است. به نظر می‌رسد که طولانی شدن دوره انتظار فرج نسبت به آنچه جامعه شیعه بر اساس منابع روایی تصور می‌کرد نیز می‌تواند در این میان دخیل باشد. در واقع این طولانی شدن دوره انتظار و

نامشخص بودن زمان فرج، موجب گردیده است تا تأکید بیشتری بر اهمیت خود انتظار فرج نسبت به درک زمان فرج برود.

این تبیین می‌توان پذیرفتنی باشد، زمانی که بدانیم که دوره صفویه، دست کم در مقایسه با دوران پیش از صفویه، دورانی دشوار و سخت برای جامعه شیعه نبوده است. به این ترتیب این موضوع می‌تواند گفتمان تفسیری مفهوم انتظار فرج را دستخوش تغییر ساخته و خوانش از آن را متحول سازد.

اما همانطور که گذشت، در دوره سوم مورد بررسی، یعنی در دوره معاصر شاهد سه تحول عمده در خوانش از مسأله انتظار فرج بودیم. نخستین تحول، تأکید بر صبر و چشم داشتن فرج امام و پرهیز از خروج و جهاد علیه ستمگران به مثابه وظیفه ای برای شیعیان بود. دومین تحول بروز این اندیشه در این دوره در میان جامعه شیعه بوده است که ظهور امام عصر (عج) به معنای ظهور دوره‌ای است که سرشار از عشرت و خوشگذرانی و تن آسایی برای شیعیان خواهد.

سرانجام سومین تحول در این دوره، خوانشی نو از مسأله انتظار فرج بود. بر اساس این خوانش، انتظار فرج به معنای صرف صبر برای ظهور امام قائم نیست، بلکه شیعیان باید خود را از راه تربیت و تجهیز نیرو آماده سازند تا زمانی که امام ظهور فرمودند، ایشان را یاری کنند. از آنجا که تحولات نخست و سوم، در واقع دو خوانش متضاد یکدیگر هستند، به تبیین هر دو با هم دست خواهیم زد و تحول دوم را جداگانه بررسی خواهیم کرد. بحث را با تحول دوم آغاز می‌کنیم.

در باره شکل‌گیری این خوانش از مسأله انتظار فرج که این انتظار، انتظار رسیدن دوران سرخوشی و عشرت نیست، بلکه دورانی است که شیعیان باید به یاری امام خود روی آورند، باید گفت که به نظر در بخشی از دوران معاصر، مسأله انتظار فرج، کارکرد پیشین خود را، دست کم کارکردی که در سده‌های چهارم و پنجم شاهد بودیم، تا حدی از دست داده است.

با توجه به آنچه گذشت، کارکرد مسأله انتظار فرج، انتظار فرار رسیدن دورانی بود که با ظهور امام، ظلم و ستم حاکم بر جامعه از میان برود، عدالت گسترش یابد و در وضعیت شیعیان گشایش حاصل گردد، حال آنکه با توجه به نبودن عنصر ظلم بر جامعه

شیعه در دوران معاصر، دیگر فرج امام قائم، کارکرد سابق را نخواهد داشت. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که در این دوره، در گفتمان تفسیری انتظار فرج، آن گشایشی که به هنگام فرج امام برای جامعه شیعه متصور بوده است، به عیش و عشرت تفسیر گردیده است.

البته به نظر می‌رسد که می‌توان ریشه این نوع خوانش از مسأله فرج امام قائم را تا دوران صفویه دنبال کرد. در واقع تأکید مولی صالح مازندرانی و مولی فیض کاشانی که فرج امام را مساوی فرج دنیوی و بهبود معیشت شیعیان دانسته بودند، می‌تواند به گونه‌ای ریشه چنین تصویری در دوران معاصر دانسته شود. یعنی اندیشه شکل گرفته در دوران صفویه، تا دوره معاصر توانسته به حیات خود ادامه دهد.

اما دو تحول دیگری که در این دوره در خوانش از انتظار فرج شاهد بودیم، مختص به این دوران هستند. نفی تقابل با حکومت جائز و تأکید بر صبر تا رسیدن فرج امام قائم، و در مقابل، نفی صبر صرف و تأکید بر اقدام عملی، دو تحول اصلی در خوانش از انتظار فرج در این دوره هستند. آنچه در تبیین شکل‌گیری این دو اندیشه در این دوره می‌توان نامید، به نظر می‌رسد که تحول در اندیشه سیاسی جامعه شیعه در این دوران بوده است.

مورخین اندیشه سیاسی شیعه، زمان آغاز تحول در اندیشه سیاسی این مذهب اسلامی در دوران معاصر را اواخر سده ۱۳ قمری معرفی می‌کنند. آنان معتقدند که از ابتدای این دوره طی که شاید اصلی‌ترین آنها نفوذ و دست اندازی استعمار در سرزمینهای اسلامی بوده است، سیاست‌ورزی مورد توجه علمای اسلام، بخصوص علمای شیعی قرار گرفت. در حوزه فرهنگی ایران، جریان تحول از آغاز دوره مشروطیت تا مقدمات شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شمسی قابل پیگیری است.

طی این دوره نسبتاً طولانی برخی از علمای شیعه کوشیدند تا مفاهیم و گزاره‌های جدیدی را که در حوزه سیاست و حکومت با آن مواجه بودند، با شریعت اسلامی تطبیق دهند (کدیور، ۱۳۷۸ش، صص ۲۵۳-۵۵). به این ترتیب تحولات عمده‌ای در اندیشه‌ی سیاسی معاصر شیعه به وجود آمد.

یکی از تحولات عمده در اندیشه سیاسی شیعه در دوران معاصر، که در روند تطبیق مفاهیم شریعت با مفاهیم و گزاره‌های حوزه‌ی سیاست از سوی علمای شیعی، صورت گرفت، بازاندیشی در مفاهیم «تقیه» و «شهادت» بود. در این بازاندیشی‌ها فاصله میان حالت واقع و حالت مطلوب، دیگر مانند گذشته امری اجتناب‌ناپذیر دانسته نمی‌شد، و از خودگذشتگی در راه دین و اصول آن، مختص نخبگان معصوم خوانده نمی‌شد (عنایت، ۱۳۸۰، صص ۲۷۷-۲۷۹).

به این ترتیب تلاش برای تبدیل «حالت واقع» به «حالت مطلوب» - که گونه‌ای بازتعریف در مفهوم تقیه را در پی داشت - «ممکن» و «مطلوب» انگاشته شد. نیز ایده اختصاص داشتن شهادت و از خودگذشتگی در راه دین به معصومان و نخبگان برگزیده، از میان رفت و شهادت و ایثار در راه رسیدن به آرمان از وظایف همه جامعه شیعه محسوب گشت.

اگر بخواهیم تحول در خوانش از مفهوم انتظار فرج را از زوایه چنین تحولی در اندیشه سیاسی شیعه بررسی کنیم باید گفت که در گفتمان تفسیری این مفهوم، عنصر انتظار پیشتر به معنای «صبر و شکیبایی بر وضع موجود» خوانده شده بود، حال آنکه در اندیشه نو، صبر بر وضع موجود نکوهید بود و در عوض کوشش برای رسیدن به وضع مطلوب ستوده می‌شد. به این ترتیب، زمینه‌ای فراهم شد تا انتظار فرج، به معنای «آماده ساختن و تربیت جامعه شیعه برای دوران فرج» امام فهم گردد. به نظر می‌رسد که خوانش دبیر همدانی، یعنی خوانشی که در دوره معاصر بر صبر و شکیبایی در مقابل حکومت جائر تأکید می‌کند، نیز در همین چارچوب شکل گرفته است و در واقع نفی این خوانش «کنش محور» است.

نتیجه‌گیری

آنچه در این نوشتار به آن پرداختیم، بررسی تحولات صورت گرفته در خوانش از مفهوم «انتظار فرج» امام غائب در دوران غیبت کبری امام دوازدهم (عج) در آثار روایی شیعی بود. با بررسی دیدگاه‌های طرح شده در این باره، نشان دادیم که دو خوانش تازه

از این مفهوم در سده‌های دهم و یازدهم قمری صورت گرفته بود؛ یکی از سوی علامه مجلسی، و دیگری از سوی مولی صالح مازندرانی و مولی محسن فیض کاشانی. تحولی که در خوانش علامه مجلسی از مفهوم «انتظار فرج» رخ نموده بود، تحول در عنصر «طول زمان انتظار» از مفهوم یاد شده بود. علامه مجلسی ضمن پرداختن به روایاتی که انتظار فرج امام غائب را نزدیک می‌شناساند، صدور آنها را از باب توریه می‌داند از آن جهت که شیعیان مذهب را ترک نکنند. به این ترتیب او معتقد است که طول مدت انتظار برای امام، می‌تواند بسیار طولانی باشد.

تحول دوم را در تقدم یافتن عنصر «انتظار» برای فرج بر عنصر «درک زمان» فرج شاهد بودیم. مولی صالح مازندرانی و مولی محسن فیض کاشانی معتقدند که فرج امام غائب موجب گشایش در معیشت و حیات دنیوی شیعیان خواهد شد، حال آنکه «انتظار» این فرج که در برخی روایات افضل کارها شناخته شده است، می‌تواند فرج اخروی برای شیعیان در پی داشته باشد. آنها معتقدند که فرج حقیقی، همان فرج اخروی است و نه فرج دنیوی که با ظهور امام غائب، فرا خواهد رسید.

در تبیین این تحولات به نظر می‌توان بهبود قابل توجه حیات اجتماعی-سیاسی شیعیان در سده‌های دهم و یازدهم را عاملی مهم دانست که با روی کار آمدن صفویان در ایران و اعلام مذهب شیعه به مثابه مذهب رسمی صورت پذیرفت. در مورد خوانش علامه مجلسی، این عامل می‌توانسته موجب گردد تا عنصر «طول زمان انتظار» که همواره جامعه شیعه کوتاه بودن آن را آرزو می‌کرده، در گفتمان تفسیری مفهوم «انتظار فرج»، برای جامعه شیعه عصر صفوی، بخصوص نسبت به دو سده آغاز دوره غیبت کبری، نمود کمتری داشته باشد. به نظر از این رو علامه مجلسی صدور روایات کوتاه بودن طول زمان انتظار را از باب توریه می‌شناساند.

در مورد خوانش مولی محسن فیض و مولی صالح مازندرانی باید گفت که به نظر گشایش در حیات اجتماعی-سیاسی شیعیان موجب گشته است تا عنصر «فرج امام» در مفهوم «انتظار فرج»، که در گفتمان تفسیری این روایت کارکرد رفع ظلم و ستم از جامعه شیعه را داشته است، کارکردش گشایش در رزق و معیشت و حیات دنیوی برای جامعه شیعه تلقی گردد. به این ترتیب، از آنجا که «انتظار فرج» عملی پسندیده دانسته

شده، و از آنجا که فرج اخروی بر فرج دنیوی برتری دارد، خود انتظار فرج، بر درک زمان فرج پیشی گرفته است.

اما در دوره معاصر، که آن را دوره پس از مشروطیت خواندیم، نیز شاهد تحولاتی در خوانش از مفهوم «انتظار فرج امام غائب» هستیم. در این دوره، محمد تقی اصفهانی، کارکردی را که احتمالاً در دوره صفویه برای فرج امام دوازدهم (عج) تعریف گردیده است، رد می‌کند. وی این دیدگاه را که با فرج امام، زمان عشرت و خوشگذرانی برای شیعیان ایشان فراخواهد رسید رد می‌کند و زمان فرج را زمان یاری امام برای رسیدن به اهدافشان معرفی می‌کند.

در همین دوره خوانشی دیگر نیز از مفهوم انتظار فرج ارائه می‌گردد. در دوران معاصر، برخی عالمان شیعی مفهوم «انتظار فرج» را به معنای صبر و شکیب برای رسیدن گشایش رد می‌کنند و آن را فرار از بار مسئولیت می‌دانند. آنها معتقدند که معنای انتظار فرج، تربیت و آماده ساختن روحی و جسمی جامعه شیعه برای دوران ظهور امام جهت یاری ایشان برای رسیدن به اهدافشان است.

اگرچه که می‌توان خوانش محمدتقی اصفهانی را هم راستا با این خوانش یاد شده دانست، اما این خوانش، تأکید بسیار زیادی بر تحرک اجتماعی - سیاسی شیعیان در دوران غیبت امام دارد و به صرف نفی تصویری نادرست بسنده نمی‌کند. نیز دانستیم که در نفی این دیدگاه تازه، موضع گیری‌هایی در دوره معاصر صورت گرفته است. از جمله علی دبیر همدانی انتظار فرج را تنها صبر و شکیبایی برای ظهور امام غائب خوانده و مقابله با حاکم جائز و خروج بر او را در دوره غیبت امام رد کرده است. به نظر می‌رسد که هر سه خوانش در یک راستا هستند.

در تبیین این تحول، شاید بتوان تحول اندیشه سیاسی شیعه را پس از دوران مشروطیت عاملی مهم قلمداد کرد. در این دوره، به نظر می‌رسد که عنصر «انتظار» از مفهوم «انتظار فرج امام غائب» دستخوش تحول گشته و به این ترتیب، خوانشی نو از آن سربرآورده است. در دوران معاصر، بخصوص پیش از دوران مشروطه، عالمان شیعه به دلایلی از جمله نفوذ و دست اندازی استعمار به کشورهای مسلمان علاقه مند به حوزه سیاست شدند.

در این دوره در برخی مفاهیم مهم، همانند «تقیّه» و «اختصاص شهادت به معصوم» بازخوانی‌هایی صورت گرفت. رسیدن به «حالت مطلوب» که بیشتر این مفاهیم نفی می‌کردند، دست یافتنی شد. به این ترتیب، جامعه شیعه به لحاظ نظری راه خود را برای ساختن جامعه آرمانی خود باز می‌دید. به نظر می‌رسد که این تحول، موجب گشت تا مفهوم «انتظار فرج امام غائب» که بخصوص در سده‌های چهارم و پنجم به معنای صبر بر وضع موجود جهت ظهور امام خوانده می‌شد، اکنون با خوانشی جدید مواجه گردد و به معنای کوشش برای ساختن وضع آرمانی که وعده آن داده شده است، معنی گردد.

یادداشت‌ها

- ۱- مقصود از گفتمان تفسیری، گفتمانی است که به هنگام خوانش از هر پدیده قابل تفسیری (در این نوشتار، آن پدیده، یک مفهوم است)، خود را به خوانشگر تحمیل می‌کند، و با هم آهنگ سازی آن خوانش با الگوها و قواعد خود، آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تغییر این الگوها و قواعد، موجب می‌شود که در روند تفسیر مفهوم یا کلام نیز تغییر بوجود بیاید و سرانجام خوانشی تازه نسبت به خوانش‌های پیشین از آن مفهوم ارائه گردد. (برای مفهوم گفتمان، نگاه کنید: فوکو، ۱۳۷۸ش، صص ۲۴-۲۷؛ ضیمران، ۱۳۷۸ش، صص ۲۶-۲۷ و میلز، ۱۳۸۲ش، صص ۲۸-۳۰).
- ۲- دوره حکومت آل بویه از سال ۳۲۰ تا ۴۴۷ قمری بوده است.
- ۳- دوره حکومت صفویان از سال ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ قمری بوده است.
- ۴- (رک: مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳). متن پرسش و پاسخ شیخ مفید به آن چنین است: «فإن قال: فما ینفعنا من معرفته مع عدم الانتفاع به من الوجه الذی ذکرنا؟ قیل له: نفس معرفتنا بوجوده وإمامته وعصمته وکماله نفع لنا فی اکتساب الثواب، وانتظارنا لظهوره عبادۀ نستدفع بها عظیم العقاب».

- ۵- (مثلاً نگاه کنید: طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۳-۱۱۳) که در آن شیخ به نقد دیدگاه واقفه می‌پردازد.
- ۶- متن روایت چنین است: «عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله (ع): جُعِلت فداك متي الفرج؟ فقال: يا أبا بصير؟ وأنت ممن يريد الدنيا؟ من عرف هذا الأمر فقد فُرج عنه لانتظاره».
- ۷- این سخن عمدتاً بر پایه این روایت استوار است: «أفضل الأعمال انتظار الفرج». (برای این روایت نگاه کنید: خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۲۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۶).
- ۸- در بالا دیدیم که مولی صالح مازندرانی نیز به این روایت پرداخته است.
- ۹- (نگاه کنید: طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، صص ۴۰۴-۴۰۶).
- ۱۰- نگاه کنید به تحلیل دیدگاه‌های نعمانی و صدوق در این نوشتار.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *عیون أخبار الرضا*، تحقیق: انتشارات موسسه الاعلمی، بیروت: موسسه الاعلمی، چاپ نخست.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، چاپ نخست.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۱۴ق)، *شرح الأخبار*، به کوشش سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه، چاپ دوم.
- امورتی، ب.س. (۱۳۸۰ش)، *مذهب در دوره صفوی*، در: *تاریخ ایران: دوران صفویان*، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ نخست.
- بارت، رولان (۱۳۸۴ش)، *از کار به متن*، ترجمه صفیه روحی، در مجموعه سرگشتگی نشانه‌ها (۱۷۹-۱۸۹)، به کوشش مانی حقیقی، تهران: نشر مرکز، چاپ نخست.
- پین، مایکل (۱۳۸۳ش)، *بارت، فوکو، آلتوسر*، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران: نشر مرکز، چاپ نخست.

جعفریان، رسول (۱۳۷۹ش)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ نخست.

خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفایه الأثر، به کوشش سید عبداللطیف حسینی کوهکمری خویی، قم: انتشارات بیدار، چاپ نخست.

دبیر همدانی، علی اکبر بن محمد (۱۳۵۴ش)، تکالیف الأنام فی غیبه الامام، تهران: چاپ رشدیه.

صدر، محمد (۱۳۶۲ش)، رسالت اسلامی در عصر غیبت، ترجمه انتشارات بدر، تهران: انتشارات بدر.

ضیمران، محمد (۱۳۷۸ش)، میشل فوکو: دانش و قدرت، تهران: انتشارات هرمس، چاپ نخست.

طالقانی، محمود (۱۳۶۰ش)، آینده بشر از نظر مکتب ما، در: مهدویت و آینده بشر، تهران: بنیاد فرهنگی آیه الله طالقانی.

همو، (۱۳۶۱ش)، مهدویت و آینده بشر، در: مهدویت و آینده بشر، تهران: بنیاد فرهنگی آیه الله طالقانی.

طباطبایی، سید کاظم و یونس دهقانی فارسانی (۱۳۸۹)، «بررسی تحولات در فهم روایات اسلامی بر پایه مفهوم گفتمان: بررسی موردی روایت أنا قتیل العبره»، حدیث پژوهی، سال دوم، شماره سوم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷)، إعلام الوری بأعلام الهدی، به کوشش مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ نخست.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، به کوشش عبدالله تهرانی، علی احمد ناصح، قم: مؤسسه معارف اسلامی، چاپ نخست.

عنایت، حمید (۱۳۸۰ش)، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم.

فوکو، میشل (۱۳۷۸ش)، نظم گفتار، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر آگه، چاپ نخست.

- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، به کوشش ضیاء الدین حسینی، اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی (ع) العامه، چاپ نخست.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۸ش)، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، تهران: طرح نو، چاپ نخست.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۲ش)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ پنجم.
- لک زایی، شریف (۱۳۸۴ش)، «فکر سیاسی امام موسی صدر: بخش نخست»، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال هشتم، شماره ۲۹.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، به کوشش محمد باقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- اصفهان، محمد تقی بن عبدالرزاق (۱۴۲۱ق)، مکیال المکارم، به کوشش سید علی عاشور، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ نخست.
- مظفر، محمد حسین (۱۳۸۳ش)، تاریخ شیعه، ترجمه محمد باقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نخست.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، رسائل فی الغیبه، به کوشش علاء آل جعفر، بیروت: دارالمفید للطباعه والنشر والتوزیع، چاپ دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۸ش)، مهدی انقلابی بزرگ، قم: انتشارات هدف.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۵)، «انتظار یعنی آماده باش کامل»، درسهایی از مکتب اسلام، سال ۱۷، شماره ۱۰.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۴۲۱ق)، شرح أصول الکافی، به کوشش سید علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ نخست.
- میلز، سارا (۱۳۸۲ش)، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم، چاپ نخست.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (بی تا)، الغیبه، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، چاپ نخست.